

موضوع «مهدی»، «انتظار» و «ظهور»، سراسر کتاب‌ها و مدارک مذاهب اسلامی را فرا گرفته است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود آن را تعلیم داده است. علی بن ابی طالب عَلِيٌّ و دیگر امامان، همواره درباره‌ی آن سخن گفته‌اند و درباره‌ی خصوصیات موعود و ظهور، و انتظار منتظران، دقایقی بسیار مطرح ساخته‌اند.

علما و بزرگان فریق اسلامی ز سرتاسر تاریخ جهان اسلام، در این باره فصل‌ها نوشته‌اند و کتاب‌ها نگاشته‌اند.

با این حساب، آیا شدنی است که موضوعی این چنین، در کتاب الهی ریشه نداشته باشد؟!

در قرآن کریم، درباره‌ی مسایل آینده‌ی دوران، و حوادث آخر الزمان، و استیلا ی خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان - گاه به اشاره، و گاه به تصریح - سخن گفته شده است. این گونه آیات را مفسران اسلامی با مستندات و مدارک درباره‌ی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَوَلُّدَهُ و ظهور آخر الزمان دانسته‌اند.

از جمله آیات مربوط به حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَوَلُّدَهُ و «آخر الزمان» و ظهور «طلعت رشیده» و «دولت کریمه» است:

۱. وارثان خدا بر روی زمین:

«قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْعَوْا بِأَرْضِ اللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّا الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^(۱)؛ «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»

عن هشام بن سالم عن ابی خالد الکلبی عن ابی جعفر عَلِيٍّ قال: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلِيٍّ أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ وَ غُنَّ الْمُتَّقُونَ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا...»^(۲)

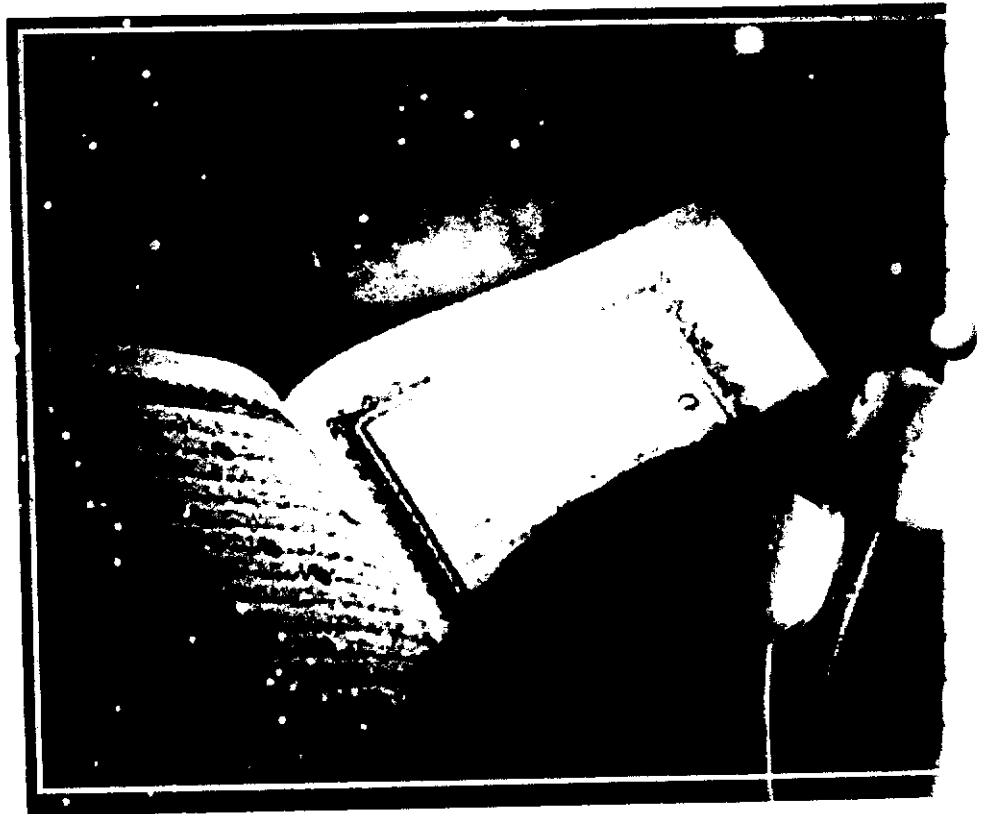
امام باقر عَلِيٍّ فرمود: «ما در کتاب [حضرت] علی عَلِيٍّ یافتیم که: زمین متعلق به خداست و به هر کس از بندگان خویش بخواهد وا می‌گذارد و سرانجام نیک از آن

درمخضرقرآن

سیمای حضرت مهدی

در پرتو قرآن و روایات

زهرا عاشوری



پرهیزکاران است». من و خاندانم کسانی هستیم که خدا زمین را به ما واگذار کرده و ما هستیم پرهیزکاران و همه‌ی زمین از آن ماست، هر که از مسلمانان زمینی را زنده کند باید آن را آباد کند و خراج آن را به امام از خاندان من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند و بخورد حق لوست و اگر زمین را واگذارد و خراب کند و مرد دیگری از مسلمین پس از وی، آن را آباد سازد و زنده کند لوست به آن زمین از کسی که آن را واگذاشته سزاوارتر است و او باید خراج آن را به امام از خاندان من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند، حق لوست تا زمانی که قائم از خاندان من با شمشیر ظاهر شود. آن گاه او، زمین‌ها را تصرف کند و از متصرفین جلوگیری نماید و آن‌ها را از آنجا اخراج کند - همچنان که رسول خدا ﷺ زمین‌ها را تصرف کرد و از متصرفین جلوگیری نمود - مگر زمین‌هایی که در دست شیعیان ما باشد که حضرت قائم علیه السلام نسبت به آنچه در دست آنهاست قرارداد می‌بندد و زمین را در دست آن‌ها وا می‌گذارد».

۲. حکومت صالحان در زمین:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^(۳۱): «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد».

علی بن ابراهیم فی تفسیره المنسوب إلی الصادق علیه السلام فی معنی الآية قال: قال: الكتب كلها ذكر الله، «إن الأرض يرثها عبادي الصالحون» قال: «القائم عليه السلام وأصحابه»^(۳۲) و فی روایة أخرى عن الباقر علیه السلام: هم أصحاب المهدي عليه السلام في آخر الزمان»^(۳۳)

علی بن ابراهیم در تفسیرش از قول امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه «بندگان شایسته‌ام و ارث زمین خواهند شد» آورده است که امام علیه السلام فرمود: «مراد از بندگان شایسته حضرت قائم علیه السلام و یاران او هستند».

و در روایت دیگری از قول امام باقر علیه السلام آمده است: «مراد از بندگان صالح اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخر الزمان می‌آیند».

«شیخ منصور علی ناصف» نویسنده‌ی کتاب «التاج الجامع للاصول» (کتابی که اصول پنج‌گانه‌ی معروف اهل سنت در آن گردآوری شده و تقریض‌های مهمی از علمای الازهر به آن نوشته شده است) چنین آورده است: «إشْتَهَرَ بَيْنَ الْعُلَمَاءِ سَلْفًا وَ خَلْفًا أَنَّهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَا يَبْدُ مِنْ ظَهْوَرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ مُسَمًّى الْمَهْدِيَّ يَكْتُمُ عَلَى الْمَالِكِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَيَتَّبِعُهُ الْمُسْلِمُونَ وَيَعْبُدُ بَيْتَهُمْ وَيُؤَيِّدُ الدِّينَ» در میان همه‌ی دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که در آخر الزمان به طور یقین مردی از اهل بیت علیه السلام ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد، و همه‌ی مسلمانان از او پیروی می‌کنند و در میان آن‌ها عدالت را اجرا می‌نماید و دین را تقویت می‌کند».

سپس می‌افزاید: «وَقَدْ رَوَى أَحَادِيثُ الْمَهْدِيِّ جَمَاعَةً مِنْ خِيَارِ الصَّحَابَةِ وَأَخْرَجَهَا أَكْبَارُ الْمُحَدِّثِينَ: كَأَبِي دَاوُودَ، وَ تَرْمِذِي، وَ ابْنِ مَاجَةَ، وَ الطَّبْرَانِي، وَ ابِي يُعْلَى وَ الْبَزَازِ وَ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَ الْحَاكِمَ»^(۳۴). احادیث مهدی علیه السلام را گروهی از اصحاب خوب پیامبر ﷺ نقل کرده و بزرگان اهل بیت مانند: ابو داوود و ترمذی و ابن ماجه و طبرانی و ابو یعلی و بزاز و امام احمد و حاکم در کتاب‌های خود آورده‌اند.

۳. حکومت جهانی مستضعفان: «وَعَدَا اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَتُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَكَيْدَلْتَنَّهُمْ مِّن بَعْدِ حَرْبِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^(۳۵): «خدا به کسانی از شما

که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بيمشان را به ایمنی مبدل گرداند» [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

«روی ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی فی کتاب مجمع البیان فی تفسیر قوله تعالى: ﴿وَعَدَا اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ قال المروى، عن اهل البيت عليهم السلام، انما في المهدي عليه السلام من آل محمد ﷺ»^(۳۶)

طبرسی در مجمع البیان در تفسیر این آیه: «خداوند آنان را که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، وعده داده که آن‌ها را در زمین جانشین خود کند»، می‌فرماید: از اهل بیت علیه السلام روایت شده که: این آیه در شأن حضرت مهدی علیه السلام از آل محمد ﷺ نازل شده است.

شیخ ابوالنضر عیاشی، با اسناد خود، از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که این آیه را خواند و فرمود: «اینان به خدا شایسته‌ی ما هستند، خدا این کار را در حق آنان به دست مردی از ما خواهد کرد و این مرد مهدی این امت است؛ و او همان کسی است که پیامبر ﷺ فرموده است: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. او هم نام من [محمد] است. او زمین را از عدل و قسط لبریز سازد، همان گونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد.»^(۳۷)

۴. آیه‌ی ظهور حق: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ يُظَاهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلِيُكْفِرَ الْمُشْرِكِينَ»^(۳۸): «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین

درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

محمدبن فضیل در حدیثی نقل می‌کند که امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» فرمود: هنگام قیام قائم علیه السلام این دین را بر سایر ادیان غلبه دهد.^(۶۱)

شیخ بزرگوار قمی در تفسیر خود می‌گوید: این آیه درباره‌ی قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده است و او تنها امامی است که خدوند او را بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد نمود. او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و این از آیاتی است که تأویل آن بعد از تنزیل خواهد بود.^(۶۲)

رشیدالدین میبدی، در تفسیر «کشف الاسرار» در شرح این آیه گوید: رسول، در این آیه، محمد صلی الله علیه و آله است، و هدی و هدایت، قرآن و ایمان است، و دین حق، اسلام است. خدا این دین را بر دیگر ادیان برتری دهد، چنان که دینی

نماند مگر این که اسلام بر آن غالب آید. و این امر، بعد از این خواهد شد، و هنوز نشده است و قیامت نخواهد آمد،

مگر این که این کار بشود. ابوسعید خدری روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از بلایای یاد فرمود که به این امت رسد، تا بدانجا که از بسیاری ظلم و ستم، کسی برای خویش پناهی نیابد. چون چنین شود، خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد، و به دست او زمین را از عدل و قسط به پا کند، آن سان که از ستم آکنده باشد. همه‌ی ساکنان آسمان، و همه‌ی ساکنان زمین، از او خرسند باشند. در روزگار او، قطره‌ی بارانی در آسمان نباشد، مگر این که بر زمین فرو بارد و گیاهی در زمین نباشد، مگر این که بروید. چنان روزگاری خوش و با برکت پدید آید که کسان آرزو کنند کاش مردگانشان زنده شوند و به این جهان باز گردند...^(۶۳)

۵. ذخیره‌ی الهی:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^(۶۴) «اگر مؤمن

باشید، باقیمانده‌ی [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم».

در تفسیر «تور الثقلین» از اصول کافی، نقل شده است: مردی از امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی قائم پرسید، که آیا می‌توان او را به هنگام سلام دادن، «یا امیرالمؤمنین» خطاب کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: نه، این نامی است که خداوند آن را فقط به «امیرالمؤمنین علیه السلام» اختصاص داده است.

آن مرد گفت: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او، چه بگویم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: بگو «السلام عليك يا بقية الله!» سپس امام این آیه را تلاوت کرد: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۶۵)

شیخ ابومنصور طبرسی، در کتاب «الاحتجاج» از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «بَقِيَّةُ اللَّهِ، یعنی مهدی، که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد».^(۶۶)

۶. مستضعفان وارثان زمین:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۶۷) «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «مقصود از آیه‌ی و نريد ان نمن... آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند بعد از سختی‌ها، مهدی آن‌ها را مبعوث خواهد نمود و او اهل حق را عزیز و دشمنانشان را زایل خواهد کرد».^(۶۸)

۷. مضطر کیست؟:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُسْتَظِرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَمْ لَكُمْ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»^(۶۹) «یا [کیست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف



می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می پذیرید».

محمد بن مسلم نقل می کند که: امام باقر علیه السلام فرمود: این آیهی شریفه: «إِذَا تَنَزَّلَ السَّوَاءُ...» دربارهی حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. جبرئیل به صورت پرنده ای سفید بالای نودان رحمت بایستد و او اول کسی است که با آن جناب بیعت می کند سپس سیمد و سیزده نفر با وی بیعت می کنند؛ آن ها که به راه افتاده اند و آن ها که از رخت خواب های خود ناپدید می شوند، همان ساعت می رسند و این است منظور امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرماید: آنان که از بسترهای خود ناپدید شوند و همین است معنای این آیه: «در خیرات سبقت بگیرید هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می کند»^(۳۱)، مراد از خیرات ولایت است.^(۳۲)

علی بن ابراهیم قمی رحمته الله در تفسیر خود می نویسد: امام صادق علیه السلام دربارهی تفسیر آیهی مزبور می فرماید: «این آیه دربارهی قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند! او مضطر است زمانی که در مقام دو رکعت نماز بگزارد و خدا را بخواند و خداوند دعای او را مستجاب می کند و رنج او را برطرف می نماید و او را در زمین خلیفه قرار می دهد»^(۳۳).

و در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام [بعد از بیان مطالب فرق] چنین روایت شده است که: «و این از چیزهایی است که هنوز نیامده و اگر خدا بخواهد، خواهد آمد»^(۳۴).

۸. منظور از فجر، لیال عشر، شفع و وتر چیست؟

«وَالْفَجْرُ وَتِلْكَ آيَاتُ الْغَدْرِ وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ»^(۳۵)؛ «سوگند به سپیده دم، و به شب های دهگانه، و به جفت و تاق».

جابر جمفی گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیهی شریفه: «والفجر و لیال عشر» فرمود: «ای جابرا سپیده دم، جت من است و شب های ده گانه، ده امام است و منظور از شفع (زوج) امیرالمؤمنین علیه السلام و وتر (فرد) اسم حضرت قائم علیه السلام است»^(۳۶).

۹. مراد از روز در آیهی «والنهار إذا تجلی» چیست؟

«وَاللَّيْلُ إِذَا تَغَشَى»^(۳۷) و «النهار إذا تجلی»^(۳۸)؛ «سوگند به شب چون برده افکند. سوگند به روز چون جلوه گری آغازد».

جابر گوید: «امام صادق علیه السلام در تأویل این دو آیه: «قسم به شب وقتی که فراگیرد و روز وقتی که روشن شود» فرمود: مراد از شب، دولت شیطان است تا روز قیامت (صغری) که همان روز قیام حضرت قائم علیه السلام است و مراد از روز، قیام حضرت قائم علیه السلام است هنگامی که قیام می کند»^(۳۹).

۱۰. روشن کنندهی زمین:

«وَالشَّمْسُ وَرَحْمَتُهَا»^(۴۰) و «وَالنَّجْمُ إِذَا تَلَّهَا»^(۴۱) و «النَّجْمُ إِذَا جَلَّهَا»^(۴۲)؛ «سوگند به خورشید و تابندگی اش، سوگند به ماه چون بی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند».

فضل بن عباس گوید: امام صادق علیه السلام در تأویل این آیات: «قسم به خورشید و روشنایی اش و ماه چون از بی آن در آید و روز چون زمین را روشن کند» فرمود: «مراد از خورشید، امیرالمؤمنین علیه السلام است و منظور از «سُحْبَهَا» (نور خورشید) قیام حضرت قائم علیه السلام است و ماه که از بی آن در آید، امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند و روز که زمین را روشن کند، نیز قیام قائم علیه السلام است».

آیات یاد شده و پاره ای دیگر از آیات قرآن کریم به «مهدی موعود» و مسایل و رخدادهای آخر الزمان و وقایع مقارن ظهور و پس از ظهور، تفسیر شده است. و در شرح و تفسیر آن ها، به احادیث نبوی، و سخنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر ائمه طاهریین علیهم السلام، و سایر علما و محدثان و بزرگان اسلام، استناد شده است. شاید کتاب تفسیری، از تفاسیر عالمان شیعه یافت نشود که در آن، به مناسبت آیات یاد شده، سخن از حضرت مهدی علیه السلام و مسایل آن امام، به میان نیامده باشد؛ خوانندگان محترم می توانند به کتاب «المحجّة، فی ما نزل فی القائم الحجة» تألیف عالم بزرگ، سید هاشم بحرانی مراجعه نمایند»^(۴۳).

هم چنین در تفسیرهای معتبر اهل سنت نیز، برخی از آیات مذکور، و پاره ای از آیات دیگر به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او تفسیر شده است؛ از جمله:

۱. تفسیر غرائب القرآن، نظام نیشابوری.
۲. تفسیر کشاف، جازاله زمخشری.
۳. تفسیر کشف الاسرار، رشیدالدین میبدی.
۴. تفسیر الکشف والبیان، ابواسحاق ثعلبی.
۵. تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی.
۶. تفسیر الدرالمثور، جلال الدین سیوطی.
۷. تفسیر المنار، شیخ محمد عبده مصری.
۸. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی.
۹. تفسیر روح المعانی، شهاب الدین الوسی بغدادی.
۱۰. تفسیر الجواهر، طنطاوی مصری.

پی نوشت:

۱. الأعراف (۷) : ۱۲۸.
۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۸ ح ۱، کتاب حجت.
۳. الأنبیاء (۲۱) : ۱۰۵.
۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.
۵. اثبات الهداة، ب ۳۲، ح ۴۱۹.
۶. التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۳۱.
۷. النور (۲۴) : ۵۵.
۸. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲ و تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۳۷ و اثبات الهداة، ب ۳۲، ح ۳۲۱.
۹. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲ و اثبات الهداة، ب ۳۲، ح ۳۲۲.
۱۰. التوبة (۹) : ۳۳.
۱۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۸، ب ۳۲، ح ۳۵.
۱۲. همان ح ۳۶ به نقل از تفسیر قمی و همان، ح ۳۶ به نقل از تفسیر قمی.
۱۳. کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.
۱۴. هود (۱۱) : ۸۶.
۱۵. نورالتقلین، ج ۲، ص ۳۹۰ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۱، ج ۲، کتاب حجت.
۱۶. نورالتقلین، ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۷. القصص (۲۸) : ۵.
۱۸. اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۲۹۹ و غیبة الطوسی، ص ۱۱۳.
۱۹. النمل (۲۷) : ۶۲.
۲۰. البقره (۲) : ۱۳۸.
۲۱. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۲۶، ب ۳۲، ح ۵۳۸.
۲۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۹.
۲۳. اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۷۳۰.
۲۴. الفجر (۸۹) : ۳ - ۱.
۲۵. اثبات الهداة، ج ۱، ص ۶۶۹، ب ۹، ح ۸۸۸.
۲۶. اللیل (۹۲) : ۲ - ۱.
۲۷. اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۶۶۲.
۲۸. الشمس (۹۱) : ۳ - ۱.
۲۹. از عالمان و محدثان سدهی یازدهم و دوازدهم است؛ درگذشت ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ه. ق.

۷۴۹

